

نبرد طولانی



تیر بلا!

رهاشده از دست جانی

خورد برتن چوبانی

که عمرش را در بیابان

با گذر از کوه های بلند و-

صعب العبور بدور از هر نعمتی

[همراه گله!

با دمیدن در ساز بادی تی کرده بود

نقش بر خاک کرد...

*جنگ تن به تن با خدا!

عالم و آدم می دانند

که سالهاست جنگ بر این خطه

در اوج بی رحمی داومدار است...

ترانه های !

بر گرفته از چشمه های آلوده به خون

[بدور از ترس

با نی چوبان، که

شعر عشق به زندگی ست

طغیان میکند

بی دلیل نیست !

همچون عرق بوی پاهای خسته؛

هنگام عبور از دشتهای دور

[شعر من نفسگیر است

[برای نفسی تازه کردن و

رهایی پا از کفشهای پلاستیکی

[خسته و پر درد است

یا همچون؛ خرده نانهای خشک

که سخت در زیر دندان آسیاب می شود

[به زار و نالان است

مثل دشتهای دور

مثل چشمه های خونین!

[آرام و بی صدا

که بر دشتهای پر گل روان است .

رویای دیدن لبخند دختر همسایه

[که آرمان زندگی است

افسوس بر این بشر

که با دست خود خدا را آفریده

[لعنت بر این ترس!

از دینی که

عشق به زندگی را از ما گرفت.

سفره - ی خالی ما پر شده از رنج و درد

و من امروز افسرده تر از دیروز

[نفرین می کنم آنانی را

که با عشق به زندگی بیگانه اند

ما که می خواهیم

همه زندگی کنند

عشق زلال؛ چون آب روشن باشد

انسان بودن و انسانیت مرامی همگیر شود.

[به این امید!

روزی دردها پایانی داشته باشد

*تابا سرود های بر آمد از دل

زمزمه کنیم ترانه رهای را... .

۱۶/۰۹/۲۰۱۹ در همدردی با خانواده چوبان رنج دیده در کوه های شهر مریوان که به دست

سربازان جمهوری اسلامی جانباخت. **شمی صلواتی**